داستان پلیسی

## آدم‌های مشکوک (قسمت اول)

**ایلیا موسایی|** آسانسور طبقه سوم یک پیرمرد را سوار کرد که بار اول بود می‌دیدمش. از بدی‌های اسباب کشی همین وضعیت لعنتی است که یک مشت غریبه جلوی چشمت این ور و آن ور می‌لولند و نمی‌دانی کدام اهل است و کدام نااهل. مثل همین یارو که نگاهم می‌کرد و دوستانه لبخند می‌زد، ممکن بود اصلا برای دزدی آمده باشد. هی دست دست کردم که بپرسم از اهالی است یا نه؟ رویم نشد. گفتم اگر از همسایه‌ها باشد زشت می‌شود و هنوز دو روز اینجا مستقر نشده، آبرویم می‌رود. یعنی یک جورهایی خودم را کوچک می‌کنم. در آسانسور باز شد. رسیده بودیم همکف. صاحب‌خانه با یک نفر دیگر آنجا بودند. طرف تا کمر توی حفره کنتور آب فرو رفته بود و صاحب‌خانه مدام چیزهایی به او می‌گفت. سری برایم تکان داد و به آن پیرمرد نگاهی انداخت. گفت: «عذر می‌خوام شما اینجا ساکنین؟» پیرمرد گفت: «بله... یعنی میهمانشون بودم.» صاحب‌خانه آمد سمت ما: «کدوم واحد؟»، «طبقه چهارم واحد ۷ میهمان آقای سعیدی بودم.» من همان جا ایستادم. گفتم: «۷ که ماییم... بعدشم من سعیدی نیستم.» پیرمرد لبخند زد: «پس حتما ۸ بوده من حواس درستی ندارم... آقا چه کار می‌کنی؟» خودم نفهمیدم کی ساعد دستش را چسبیده بودم. پیراهن مشکی به تن داشت با شلوار خاکستری پارچه‌ای. آستینش را تا داده بود و ساعت بند فلزی نقره‌ای بسته بود. صاحب‌خانه هم یک طور عجیبی نگاهم کرد. گفت: «جناب ما اینجا سعیدی نداریم اصلا... راستش رو بگو چه کار داشتی؟» پیرمرد که حالا دقیق‌تر صورت لاغرش را می‌دیدم بیشتر میان سال بود تا پیر. موهایش کمی تُنُک شده بود و قسمت جلو را خلوت کرده بود. بینی قلمی باریک داشت و ریش چندروزه. داشت می‌خندید. گفت: «من شرمنده‌ام راستش قضیه داره.» حالا یقه‌اش را مشت کرده بودم. گفتم: «عین آدم بگو چه کار داشتی؟» گفت: «آقا آروم باش.» صاحب‌خانه با اخم نگاه می‌کرد و منتظر بود. من هم منتظر بودم چیزی بگوید تا طرف به حرف بیاید. ولی یک لحظه همه ساکت بودیم. حتی آن فردی که تا کمر خم شده بود توی کنتور آب، داشت زل زل نگاهمان می‌کرد. مرد یک نفس عمیق کشید و بوی سیگار را حس کردم که توی صورتم خورد. به صاحب‌خانه نگاه کرد و با یک چشمک ملتمسانه گفت: «من یک دقیقه می‌شه با شما حرف بزنم؟» صاحب‌خانه نُچ کرد: «چه حرفی آقا... همین جا بگو.» صورت مرد آویزان شد. گفت: «خونه من همین بغله.» انگشت لاغر و استخوانی‌اش داشت به ساختمان روبه‌رو اشاره می‌کرد: «من یه اوضاع ناجوری دارم تو خونه برای همین مجبور بودم برم از پشت بوم شما خونه خودم رو دید بزنم... چاره نداشتم. کسی هم نبود ازش اجازه بگیرم.» صاحب‌خانه چشم‌هایش را ریز کرد: «چه جوری اومدی تو؟» مرد گفت: «یکی از اهالی کلید انداخته بود بره تو، من هم همراهش اومدم... لابد فکر کرده بود از همسایه‌هام.» صاحب‌خانه گفت: «کدوم خونه‌ای؟» مرد دوباره با دست اشاره کرد: «همین جا... زنگ سوم.» صاحب‌خانه گفت: «ولی من تا به حال تو رو ندیدم.» مرد گفت: «آقا کی در و همسایه‌ش رو می‌شناسه این روزها، که شما دومی باشی؟!» بعد اضافه کرد: «همراهم بیا معلوم می‌شه.» صاحب‌خانه با دست حرکتی کرد که یعنی مرد را ول کنم. یقه‌اش را رها کردم. توی مشتم چروک شده بود. یکهو متوجه شدم دارم نفس نفس می‌زنم. نمی‌دانستم چرا. بین در ورودی ساختمان ما با ساختمان روبه‌رو چهار قدم بزرگ فاصله بود. مرد مقابل در راه‌راه روبه‌رو ایستاد، بعد یکی از دکمه‌های زنگ را فشار داد. آیفون خش خشی کرد و صدای نامفهوم زنی که احتمالا مسن بود گفت: «کیه؟» مرد آرام گفت: «منم باز کن.» بلافاصله صدای تق بلندی آمد و در باز شد. مرد گفت: «دیدی آقا؟» رفت توی حیاطی که فقط به اندازه یک مثلث دراز از موزاییک‌هایش را می‌توانستیم ببینیم و گلگیر سفید یک ماشین. در را پشت سرش بست. صاحب‌خانه غرولند کرد «روزگاری شده... خب بگو مرد حسابی چرا دروغ می‌گی؟ از همون اول عین آدم بیا بگو فلان مشکل رو دارم.» من حس می‌کردم توی سینه‌ام چیزی زُق زُق می‌کند. گفت: «شما خوبین؟» گفتم: «آره ممنون. شما چطورین؟» صاحب‌خانه مستقیم توی چشم‌هایم نگاه می‌کرد. گفت: «نه جدی می‌گم! آخه عرق کردین!» دستم را روی پیشانی‌ام کشیدم و خیسی سر و صورتم را فهمیدم. گفتم: «چیزی نیست... خوبم.» بعد سریع برگشتم. گفت: «شما که داشتین می‌رفتین!» گفتم: «یه چیزی فراموش شده برمی‌گردم که برش دارم.» پای آسانسور که ایستادم تا دکمه را زدم صدای جیغی بلند از مارپیچ پله‌ها پایین آمد و مثل تیر از سینه‌ام رد شد. لباسم را درست روی سینه مشت کردم. صاحب‌خانه گفت: «شما هم شنیدین؟» سر تکان دادم. گفت: «از بالا بود.» بعد تند تند دکمه آسانسور را زد. انگار با این کار زودتر می‌رسید.

**ادامه دارد**

اخبار جهان

## ۳۵ کشته در آتش کلیسا

**ایرنا|** ظهر دیروز یک کلیسا در منطقه الجیزه مصر طعمه حریقی مهیب شد. براساس آمار اولیه، ۳۵ نفر در پی این حادثه مهیب جان خود را از دست دادند. در این حادثه دل خراش ۴۵ نفر نیز زخمی شدند که حال برخی از آن‌ها وخیم گزارش شده است. هنوز جزئیات بیشتری درباره علت وقوع این آتش سوزی به دست نیامده است.

## سیل ۵۲ نفر را به کام مرگ کشاند

**مهر|** باران‌های سیل آسای سودان در روزهای اخیر موجب خسارت به هزاران خانه مسکونی شد. در پی این حادثه ۵۲ نفر در مناطق مختلف سودان جان خود را از دست دادند و ۲۵ نفر نیز مصدوم شدند. سیل تاکنون ۵ هزار و ۳۴۵ منزل مسکونی را ویران کرده و به ۲ هزار و ۸۶۲ خانه نیز خسارت وارده کرده است.

## مرگ مسافران اتریشی در واژگونی ون

**ایسنا|** پلیس محلی اتریش اعلام کرد که در اثر واژگون شدن یک دستگاه خودروون حامل ۲۰ مهاجر در نزدیکی شهر کیتسی سه نفر جان خود را از دست دادند. قربانیان این حادثه دو مرد و یک زن بوده‌اند. در این سانحه رانندگی هفت نفر دیگر به شدت زخمی شدند که به بیمارستان محلی انتقال یافتند. حادثه زمانی رخ داده که راننده ون قصد داشته از بازرسی پلیس در گذرگاه مرزی فرار کند. راننده ون دستگیر شده و تحت بازجویی پلیس قرار دارد.

# سرازیر شدن ارزهای دیجیتالی در استخر شیادان

### اعضای ۲ خانواده مشهدی فریب کلاهبرداران خارجی را خورده و سرمایه‌شان را باختند

مهدی قرآنی

گزارش

بسیار شرمنده بود و به کارشناس فضای مجازی پلیس فتا می‌گفت که نمی‌تواند در چشم اعضای خانواده‌اش نگاه کند. مدعی بود که آن‌ها به واسطه اعتمادی که به او داشته‌اند بیش از نیم میلیارد تومان سرمایه‌شان را باخته‌اند.

مرد جوان در برگه اظهاراتش نوشت: «فردی ناشناس از طریق تلگرام به من پیام داد. ابتدا نمی‌خواستم پاسخش را بدهم اما حرف‌هایش هر انسانی را وسوسه می‌کرد. او می‌گفت که بازاریاب یک شرکت سرمایه‌گذاری است. نوع فعالیت این شرکت این گونه بود که سرمایه‌گذاران مبالغی را به عنوان رمزارز به فضایی تحت عنوان استخر ارزی منتقل و در مقابل ۲۰ تا ۳۰ درصد سود به صورت روزانه دریافت می‌کردند. من که اصلا تمایلی به این کار نداشتم اما فریب خورده و ۱۰۰ دلار سرمایه‌گذاری کردم. چند روز این ماجرا نگذشته بود که چند برابر ۱۰۰ دلار را دریافت کردم. همین موضوع موجب شد تا دایی و عمه‌هایم را هم وارد این سرمایه‌گذاری کنم.»

شاکی پرونده ادامه داد: «سرمایه‌گذاری ما به جایی ختم شد که ۱۰ نفر از افراد خانواده رمزارز تهیه کرده و در استخر ارزی سرازیر کردند. کار به جایی رسید که حتی سودهای حاصله را هم در این زمینه سرمایه‌گذاری کردند. همه چیز به یک باره اتفاق افتاد. نه دیگر اثری از سایت مورد نظر بود و نه خبری از آن بازاریاب. همان لحظه بود که فهمیدم همگی بازی خورده‌ایم. اعضای خانواده با اعتمادی که به من داشتند وارد این بازار شده بودند و در این بین بیش از نیم میلیارد تومان خود را باخته بودند.»

با طرح شکایت ۱۰ نفر که اعضای یک خانواده بودند، تحقیقات مأموران اداره فضای مجازی پلیس فتای مرکز استان خراسان رضوی آغاز شد. پیگیری این پرونده ادامه داشت که هشت شاکی دیگر پا به پلیس فتا گذاشتند.

**شکایت خانواده دوم از کلاهبرداران مجازی**

این افراد نیز اعضای یک خانواده بودند که به واسطه اعتماد به شوهرخاله‌شان وارد سرمایه‌گذاری استخری شده و هست و نیستشان را باخته بودند. یکی از شکات که حلقه وصل دیگر اعضای خانواده‌اش در این سرمایه‌گذاری بود، در رویارویی با افسر تحقیق پلیس فتا گفت: چندی پیش پیامی از طریق اینستاگرام دریافت کردم. فردی که تاکنون او را ندیده و نمی‌شناختم با لحنی صمیمی و مؤدبانه پیام‌هایی در قالب سرمایه‌گذاری زودبازده برایم ارسال کرد. او که خود را بازاریاب یک شرکت سرمایه‌گذاری معرفی می‌کرد مدعی شد می‌تواند در مدتی کوتاه من را پولدار کند. ابتدا چند میلیون تومان رمزارز دیجیتالی تهیه کردم و از طریق مسیری که گفته بود عمل کردم. بعد از گذشت چند روز نه تنها اصل پولم را به دست آوردم بلکه مجدانه پیگیر افزایش سرمایه‌گذاری در این راه بودم. موضوع را به چند نفر از اعضای خانواده گفتم و مبالغی را هم از طریق آن‌ها سرمایه‌گذاری کردم. بعد از چند روز فهمیدم که همگی بازی خورده‌ایم. فرد ناشناس اعتماد ما را جلب کرده و از این طریق صدها میلیون تومان به جیب زده بود. سرمایه‌هایی که اعضای خانواده‌ام برای تومان تومانش ماه‌ها و سال‌ها زحمت کشیده بودند. حالا نه دیگر خبری از سود بود و نه خبری از آن سایت.

**ردزنی کلاهبرداران در خارج از کشور**

رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی با اشاره به این دو پرونده کلاهبرداری، بیان کرد: در این دو پرونده گشوده شده که تعداد ۱۸ نفر از شهروندان مشهدی را درگیر خود کرده است، متهمانی با جلب اعتماد و فریب آن‌ها بیش از یک میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌اند.

سرهنگ جواد جهانشیری گفت: متهمان با وعده سرمایه‌گذاری زودبازده سودهایی نظیر ۳۰، ۸۰ و یا ۲۰ درصد به صورت روزانه را به طعمه‌های خود با توجه به میزان سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌دادند. این افراد برای اینکه زمینه جذب سرمایه بیشتری را مهیا کنند به مدت چند روز مبالغی را طبق وعده داده شده به حساب شکات واریز و پس از جذب سرمایه بیشتر نقشه شوم خود را عملی می‌کردند. آن‌ها از طریق یک سایت به عنوان استخر رمزارزی از شکات می‌خواستند تا ارزهای دیجیتالی خود را به آن انتقال دهند و از این طریق سود دریافت کنند. متهمان پس از دریافت رمزارزها سایت را مسدود کرده و دیگر پاسخگوی سرمایه‌گذاران نبودند.

این مقام ارشد پلیس فتای استان ادامه داد: کارشناسان فضای سایبری پلیس فتا با انجام تحقیقات تخصصی موفق به ردزنی متهمان در خارج از کشور شدند. علاوه بر این موضوع از طریق پلیس بین‌المللی در حال رسیدگی و پیگیری است.

سرهنگ جهانشیری در پایان به کاربران فضای مجازی هشدار داد: شهروندان به افرادی که آن‌ها را نمی‌شناسند اعتماد نکنند و فریب وعده و وعیدهای مجازی آن‌ها را نخورند. شهروندان توجه داشته باشند قبل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های اقتصادی حتما وضعیت آن را از طریق مراجع قانونی استعلام بگیرند تا در دام کلاهبرداران نیفتند. کاربران فضای مجازی نیز می‌توانند در صورت رویارویی با این موارد در هر زمان از شبانه‌روز بلافاصله با شماره‌گیری ۰۹۶۳۸۰ مرکز فوریت‌های پلیس فتا موضوع را اطلاع دهند.

خبر

## نجات ۱۷ شهروند از میان آتش و دود

**ابوعطا|** وقوع دو حادثه خانه‌سوزی در فاصله ۱۲ ساعت در مشهد در حالی به آتش‌نشانی گزارش شد که گذشته از خسارت‌های زیاد برجای مانده، تعداد زیادی از شهروندان در معرض خطر سوختگی یا خفگی قرار گرفته بودند. اما واکنش سریع آتش‌نشانان مشهد منجر به نجات جان ۱۷ شهروندی شد که در محاصره آتش و دود قرار گرفته بودند. این حوادث بدون خسارت جانی مهار شد.

نخستین حادثه شامگاه شنبه در بولوار شهید ستاری مشهد رخ داد و ساکنان یک مجتمع مسکونی چهارطبقه با وحشت و هراس موضوع آتش‌سوزی ساختمانشان را با گرفتن شماره ۱۲۵ به آتش‌نشانی مشهد اعلام کردند.

با اعلام گرفتاری تعدادی از ساکنان این ساختمان و احتمال به خطر افتادن جان شهروندان، بلافاصله آتش‌نشانان و نجاتگران سه ایستگاه ۵، ۳۱ و ۲۷ به محل حادثه اعزام شدند. با حضور امدادگران مشخص شد آتش‌سوزی از اتاق خواب واحد ۷۰ متری طبقه اول آغاز شده و دود کل ساختمان چهارطبقه که دارای هشت واحد بوده را در برگرفته است.

نجاتگران و آتش‌نشانان به صورت هم‌زمان با نجات ۹ نفر از ساکنان گرفتار در دود شامل سه زن و سه مرد و سه کودک آن‌ها را به مکانی امن انتقال دادند، سپس به مهار حریق این منزل و جلوگیری از سرایت آتش به دیگر منازل این مجتمع پرداختند. خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیبی نرسید و آتش‌نشانان پس از تهویه و رفع دودگرفتگی طبقات از همشهریان، آتش‌نشانان چهار ایستگاه را به محل حادثه اعزام کرد. آتش‌نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند که کانون آتش‌سوزی طبقه زیرزمین یک ساختمان سه‌طبقه با شش واحد بوده است.

تعدادی از ساکنان این ساختمان در طبقات گرفتار شده بودند که گروه امداد و نجات با استفاده از تجهیزات تنفسی توانستند هشت نفر را به مکانی امن منتقل کنند.

در ادامه گروهی دیگر از آتش‌نشانان به سراغ آتش رفتند و در مدتی کوتاه توانستند آن را از نفس بیندازند. با این اقدام آتش‌نشانان از سرایت آتش به خودروهای پارک شده در محل و دیگر منازل این مجتمع مسکونی پیشگیری شد.

خوشبختانه در این حادثه نیز به کسی آسیبی نرسید و آتش‌نشانان پس انجام تهویه و رفع دودگرفتگی از طبقات این مجموعه مسکونی به مأموریت خود پایان دادند. علت دقیق وقوع این آتش‌سوزی‌ها از سوی کارشناسان آتش‌نشانی مشهد در دست بررسی است.

این مجموعه مسکونی به مأموریت خود پایان دادند.

**تکرار خانه‌سوزان ۱۲ ساعت بعد**

نزدیک به ظهر دیروز پس از گذشت حدود ۱۲ ساعت، یک حادثه خانه‌سوزی دیگر این بار در بولوار مجیدیه به آتش‌نشانی مشهد گزارش شد. در این حادثه نیز تعدادی از ساکنان یک ساختمان مسکونی درون آن گرفتار شده بودند.

این بار ستاد فرماندهی با توجه به گرفتاری تعدادی

## تیراندازی پلیس یک سارق خودرو را زمین‌گیر کرد

**سهیل دیبا|** خودرو پراید بدون توجه به دیگر خودروهای عبوری با سرعت غیرمجاز و رانندگی خطرناک قصد داشت به مقصدی نامعلوم برود. حرکات خطرناک راننده نه تنها دادرانندگان دیگر را بلند کرده بود، بلکه توجه خودرو گشتی کلانتری سپاد مشهد را هم به خود جلب کرده بود و همین ظن بجای مأموران از رازیک پرونده سرقت خودرو در مشهد پرده برداشت. مأموران کلانتری سپاد با مشکوک شدن به حرکات راننده خودرو پراید، پلاک این خودرو را استعلام کردند که با دریافت پاسخ متوجه شدند این خودرو سرقتی است و آن‌ها احتمالا با یک سارق روبه‌رو هستند. هماهنگی‌های لازم بلافاصله انجام شد و پس از دریافت دستور تخصصی به راننده خودرو سرقتی دستور توقف داده شد. اما راننده با دیدن خودرو پلیس، بر پدال گاز فشرد و از صحنه متواری شد. با متواری شدن راننده، بلافاصله عملیات تعقیب و گریز آغاز شد. دستور توقف‌های پی در پی پلیس نیز بی‌نتیجه ماند. راننده قصد توقف نداشت که در اینجا مأموران با استفاده از قانون به کارگیری سلاح اقدام به تیراندازی کردند و لحظاتی بعد راننده از ترس جان درجا متوقف شده و پلیس او را دستگیر کرد. متهم در تحقیقات اولیه به سرقت خودرو پراید و پنج فقره سرقت وسایل داخل خودرو اعتراف کرد. تحقیقات از این سارق ادامه دارد.

روی خط حادثه

## زمین‌گیری ۵ شرور

**محمدجواد ابوعطا|** همه کار می‌کردند از راه بندان و نزاع دسته جمعی تا آسیب به اموال شهروندان و... این افراد از مدتی قبل اقدامات شرورانه خود را در قسمت‌هایی از شهر انجام می‌دادند و هر بار با حضور پلیس متواری می‌شدند تا اینکه با انجام اقدامات ضربتی از سوی پلیس در نهایت تمام این افراد زمین‌گیر شدند و تیغ برانشان برای همیشه شکست. فرمانده انتظامی مشهد درباره جزئیات دستگیری پنج مخل نظم و امنیت در بولوار توس مشهد به خبرنگار ما گفت: در پی گزارش‌های شهروندان مبنی بر شرارت‌های متعدد و سلب آسایش برای شهروندان از سوی چند مرد جوان در محدوده بولوار توس، با توجه به اهمیت موضوع شناسایی آنان در دستور کار پلیس قرار گرفت. سرهنگ احمد نگهبان افزود: در تحقیقات اولیه مأموران کلانتری ۴۳ معراج، مشخص شد این افراد با قدرت‌نمایی و حمل سلاح سرد و شرکت در نزاع‌های دسته جمعی برای شهروندان ایجاد مزاحمت کرده‌اند. وی تصریح کرد: مأموران کلانتری ۴۳ معراج طی دو عملیات مجزا پنج تن از مخلان نظم و امنیت را دستگیر و در این باره یک اسلحه غیرمجاز، سه تیغه چاقو و قمه و دو عدد چوب و چماق را از این شروران کشف کردند. فرمانده انتظامی مشهد بیان کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند.

## پایان درد ۳ بیمار با ایثار بانوی نیشابوری

**ابوعطا|** تازه‌ترین عمل اهدای عضو در مشهد با نشستن لبخند به صورت سه بیمار نیازمند به عضو همراه بود. در این عمل جراحی اعضای پیکر زنده یاد مریم قره ۴۹ ساله، که بر اثر یک حادثه در بیمارستان حکیم نیشابور بستری شده و با تشخیص پزشکان دچار مرگ مغزی شده بود، با رضایت خانواده به بیماران نیازمند به عضو اهدا شد. با انتقال پیکر این مرحوم به بیمارستان منتصریه مشهد، در اقدامی خداپسندانه قرنیه‌ها برای پیوند به بیماران نیازمند به عضو به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد. همچنین قسمتی از پوست نیز برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.
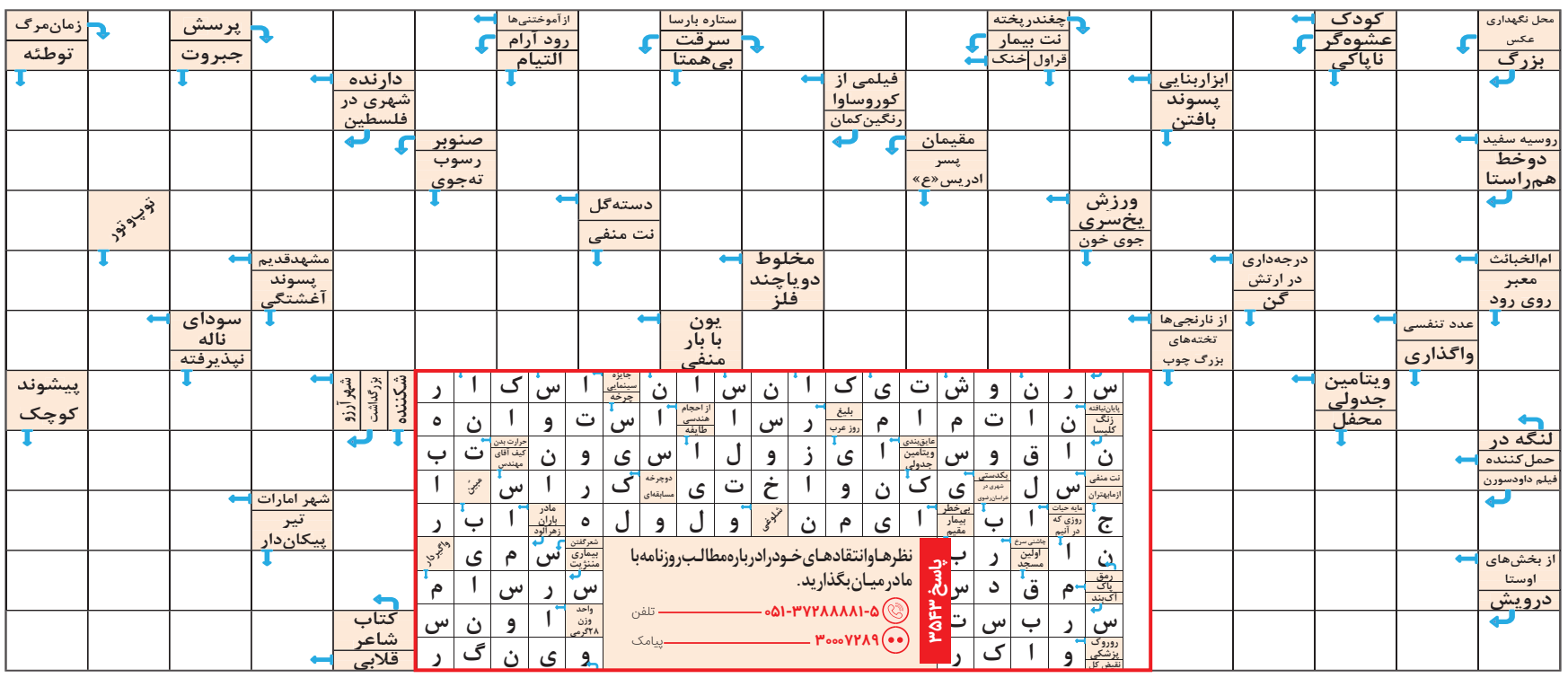
## جدول ۳۵۴۴